روزی برفی

تحقیق جدید دانشمندان

چرا طنز خنده دار است

منبع: نیویورک تایمز

مترجم: ع ک

واقعاً چرا طنز خنده دار است. فکر می کنید اگر چند روز پی در پی بخندید چه اتفاقی می افتد؟ کارشناسان و محققان در حال حاضر مشغول کار کردن روی این چرایی هستند. آنها درصدند که بدانند چرا نویسنده ای که بر نوشته اش مهر طنز می زند یا مردم این کار را با نوشته هایش می کنند از مقبولیت ویژه ای برخوردارند.

یک تحقیق ساده از نویسندگان دانشگاه «برکله» نشان می دهد آنها که توانایی بر هم زدن ساختار ذهنی افراد را دارند، طنزپردازانی بزرگ و معتبرند. چون زمان زیادی را صرف از هم گسستن روابط ذهنی مخاطب می کنند. دکتر «ادوارد ساها» در این باره می گوید: «ابتدا نوشته ای کاملاً جالب را در اختیار مخاطبان قرار دادیم. این مخاطبان نه صددرصد حرفه ای بودند نه کاملاً بی اطلاع. آنها فقط خندیدند و خندیدند. موضوع را به گونه ای دیگر برایشان نوشتیم. مخاطبان مابه دو گروه تقسیم شدند. گروه اول اصلاً چیزی نفهمیدند و گروه دوم آن قدر لذت بردند که حاضر نشدند مطلب اول را دوباره بخوانند زیرا آن را فاقد بن مایه ادبی می دانستند. آنچه گروه دوم به آن رسید، همان طنز است. طنز یعنی نوشته ای که می تواند استواری ذهن شما را هر آن قدر که محکم باشد، برهم زده و آن را مطابق سلیقه نویسنده سازمان دهی کند.»

اما «گلن کالینز» می نویسد: «گروهی از دانشمندان مشغول کار کردن روی این موضوع هستند که چرا طنز خنده دار است. آیا این خاصیت کارتونهای» نیویورکر «است. مطلقاً. اما در حال حاضر کارتونهای نیویورکر به تنهایی فعلیت آن را دارند که شما را برای مطالعه ای جالب ترغیب کنند. مثلاً مردم چطور به این نتیجه می رسند که بعضی چیزهای بخصوص می تواند خنده دار باشد؟ چه اتفاقی می افتد که آنها می خندند؟ طنز خنده دار چه طنزی است؟ اینها سؤالاتی است که گروهی از محققان دانشگاه میشیگان در حال مطالعه بر روی آن هستند. آنها اولین کارتون چاپ شده در مجله ای را از اول فوریه ۱۹۲۵ مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنها به نکاتی در این کارتون دست پیدا کردند که طنز نامیده می شود. چیزهایی که حتی در روانشناسی، ادبیات، پزشکی و سایر علوم نیز به تناوب دیده می شود!»

ما احتیاج داریم به اینکه معلومات بیشتری درباره طنز داشته باشیم.

این بخشی از صحبتهای «چارلز. آر. آیس دریت» مدیر بخش تئاتر دانشگاه میشیگان است.

او در ادامه می گوید: «اگرچه هر فردی توانایی گفتن» جک «را دارد اما کارتونهایی که ما آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم، تنها به خصیصه خندیدن اکتفا نکردند. آنها دست اندرکاران مجله نیویورکر اولین مجله خود را در ۶۵۶ صفحه با موضوع طنز چاپ کردند. در این کتاب ۲۵۰۰ کارتون چاپ شد.» و این روند تا امروز نیز ادامه داشته است.

قطعاً زمینه طنز آن قدر برای کارشناسان مهم و حائز اهمیت بوده که بخشی ازتحقیقات خود را معطوف به چرایی این موضوع کردند. دکتر ریچارد. ال. لوئیز مدیر بخش روانشناسی و پیرایزشکی دانشگاه توضیح می دهد که چگونه کارتونها قابلیت ایجاد پل خویشاوندی بین خود و مخاطب را دارند.

شاید که قطعاً چنین هم هست این پلهای خویشاوندی که هنوزوجودشان از سوی دانشمندان تأیید نشده، طنز را جذاب و دوست داشتنی کرده اند. «کالینز» در پایان گزارش خود می نویسد: «شاید کارتونها قابلیت لمس کردن را نداشته باشند اما سریع تر از آنچه تصورش را می کنید، در خون شما جاری می شوند. این یعنی جادوی طنز.»

بسیاری از کارشناسان و منتقدان ادبی دنیا معتقدند، ادبیات امروز آمریکا اگر عمارتی بزرگ با ستونهای سترگ است، قطعاً زیربنایی به نام «مارک تواین» دارد. پس فکر نکنید نوشتن هر چیز خنده داری که باعث خنده شما شود، اسمش طنز است چه به چنین نوشته هایی بعضاً فکاهه و در رده ای پایین تر هجو می گویند

علی رضا کیوانی نژاد

طنز دوست داشتنی است اما تلخ

تکان می خورید چنان با نیش و کنایه جوابتان را می دهند که نه راه پس دارید و نه راه پیش. توی هر سوراخی سرک می کشند و اصلاً به روی خودشان هم نمی آورند که فلانی از این سرک کشیدنها ناراحت می شود. «خب. بشود. به من ارتباطی ندارد»!

بدون شک اما طنزنویسی و طناز بودن یکی از محبوب ترین عرصه های ادبی است که اتفاقاً هر کسی در آن موفق نمی شود. عمران صلاحی می گوید: «به مصداق هر گردویی گرد است اما هر گردی گردو نیست. هر طنزی هم خنده دار است اما هر نوشته خنده داری طنز نیست. ممکن است هجو، هزل و یا فکاهه باشد.»

***

وقتی می خواهید از طنز حرف بزنید و رک و پوست کنده بگویید که چه برداشتی از این ژانر ادبی دارید، با خودتان می گویید نکند اسامی زیادی از قلم بیفتد. بعد هم امکان دارد حرفهایتان به تیریج قبای عده ای بربخورد و کلی برای خودتان دشمن تراشی کنید. اما واقعیت امر این جاست که طنز تعاریف زیادی دارد. حداقل به تعداد نویسندگان و فلاسفه ای که به زاویه دیدی دارند، گوناگون.

ولی نقطه اشتراک بیشتر این عقاید در چند جمله خلاصه می شود: «طنز گونه ای از نوشتن است که بیان حقایق در آن شکل و شمایل دیگری دارد.»

این تعریف ما از طنز نیست. حتماً نام و آوازه طنزپرداز بزرگ آمریکا یعنی «مارک تواین» را شنیده اید. این تعریف تواین از طنز است.

«تواین» که به خاطر خلق شخصیتی مثل «تام سایر» و «هاکل بریفین» فاصله زیادی با سایر نویسندگان هم ردیف خود دارد، در زمانی که مردم از خواندن آثار کلاسیک ادبی، زده شده بودند، دست به خلق شخصیتهایی زد با مضامین طنز. می خواست یک جورایی مشکلات جامعه آن روز آمریکا را از پشت و پسله ها بکشد بیرون و با نوشته هایش ذهن مخاطب را انگولک کند، که کرد.

بسیاری از کارشناسان و منتقدان ادبی دنیا معتقدند، ادبیات امروز آمریکا اگر عمارتی بزرگ با ستونهای سترگ است، قطعاً زیربنایی به نام «مارک تواین» دارد. پس فکر نکنید نوشتن هر چیز خنده داری که باعث خنده شما شود، اسمش طنز است چه به چنین نوشته هایی بعضاً فکاهه و در رده ای پایین تر هجو می گویند.

نوشته های تواین لبریز از طعنه و گوشه و کنایه است. می خواهد پرده از مسائلی کنار بزند که من و شما جرأت دیدنش را نداریم، انگار مثل برده فروشی در داستانهای هاکل بریفین که اصلاً و ابداً به مذاق تواین خوش نیامد یا رابطه پدر همیشه مست و ولنگار هاک با فرزندش. اینها اگر قرار باشد در قالب نوشته های عادی و قانونمند روزنامه، بیان شود مطمئن باشید چند سطرش را که بخوانید، خمیازه ای می کشید و... الخ.

از طنزنویسان ایرانی هم می گوییم تا بعداً متهم به یکسونگری نشویم. بروید سراغ کتابهای طنز قدیمی. آنجا ردپای بزرگانی را می بینید که قلمشان بسیار فاخر و کوبنده بود. اصلاً همانها بودند که پایه های اولیه طنز را بنا کردند وبعدش هم که رفتند به دیار ابدیت. گفتن ونوشتن از این نویسنده ها حداقل در این مقال، کاری آسان نیست اما اگر قرار باشد از پیشگامان این مکتب حرفی برنزیم بدون شک علی اکبر دهخدا با آن نام مستعار به یاد ماندنی دخوا گرچه طنزنویسی صرف نبود اما به درستی از نشانه ها و ابزارهای این صنعت استفاده می کرد.

ستون چرند و پرند دهخدا در روزنامه، آنقدر تأثیرگذار و پرطرفدار بود که حتی امروز اساتید روزنامه نگاری معتقدند هنوز کسی در آن حد و اندازه، قلم نزده است. توی هر سطرش، هزار نیش و کنایه وجود داشت و نداشت. او در یکی از همین ستونها می نویسد: «چندروز پیش یکی از دوستانم به سراغم آمد و از من خواست لقبی برای آقای وزیر پیدا کنم که تا حالا هیچ یک از بزرگان مملکتی از آن بهره ای نبرده باشد. با کلی اهن و تلپ می گفت که آقای وزیر اصرار دارند که لقب ایشان دست نخورده باشد. گفتم چیزی به ذهنم نمی رسد اما جایی خواندم که سپاه ایران، پشت قلعه یونانیها صف کشید. قلعه آنقدر محکم بود و برج وبارو داشت که ایرانیها نتوانستند کاری از پیش ببرند. داشتند ناامید می شدند که یکی از سربازان ارتش یونان، آمد و به سردار ایرانی گفت که این طرف قلعه، یک کوچه باریک هست که نه سربازی مواظبش است و نه چیزی. ازآنجا می توانید به یونانیها حمله کنید. ایرانیها هم چنین کردند وپیروزشدند بر سپاه رقیب. سالها گذشت و کسی اسم آن سرباز یونانی را به خاطر نیاورد ولی یونانیها او را درتاریخ «خائن» خواندند.

دخواین لقب را به وزیرمی دهد و خودتان را بگذارید جای وزیر و ببینید چه زجری دارد با این طعنه و کنایه شما را خائن بنامند!

طنزنویسان ایرانی بدون شک از جایگاه و منزلت خاصی دراجتماع برخوردارند. شاید هم قسمتی از این شهرت را مرهون قریحه شوخ طبع ایرانی جماعت باشند، شاید. آنها تبحر خاصی در به سخره گرفتن نقایص دارند.

به قول عمران صلاحی که خود از طنازان بنام ایران و ادبیات ایران است: «طنزیعنی به تمسخرگرفتن عیبها ونقصها به منظور تحقیر و تنبیه، ازروی غرض اجتماعی و آن صورت تکامل یافته هجو است.»

از پیشگامان طنز ایران داشتیم می گفتیم که می رسیم به ابوالقاسم حالت. همین قدر می دانیم که درتهران به دنیا آمد و با نامهای مستعاری مثل خروس لاری، ابوالهیبک، هدهد میرزا و... می نوشت. تاریخ تولدش هم درکتاب طنزآوران امروز ایران ـ نوشته عمران صلاحی ـ ۱۲۹۲ قیدشده. دیوان خروس لاری، از عصر شترتا عصر موتور، دوره دوره خرسواری است وچندین وچند اثر دیگر از فرزندان طبع اوهستند. یکی از مشهورترین داستانهای طنزش پختن کیک است و اگر بیشتر از یکی می خواهید، بروید سراغ داستان مرد دروغگو و خیرات سیب.

اما از اینجا به بعد ترجیح می دهیم اسم هیچیک از طنزپردازان را نبریم. چون هم از قلمشان می ترسیم و هم جریزه جواب دادن به نیش قلمشان را نداریم!

دوباره می رویم سراغ همان طنازان اروپایی و غربی. مثل آنتوان پاولویچ چخوف. این نویسنده و طنزپرداز قدر روس، سالهای سال از بیم انتشار نیافتن آثارش، دست به خودسانسوری می زد. عاقبت به این نتیجه رسید که می تواند با نوشتن درگونه ای به نام طنز، هرچه دلش می خواهد بنویسدو آنها را به خورد مردم بدهد.

چخوف مجبور بود به خاطر بیماریش ـ سل ـ مدتی را درجزیره ساخالین سپری کند. اما باور کنید وقتی رسید به ساخالین انگار موتورش تازه روشن شده بود و شروع کرد به نوشتن. حتی تا آن زمان، «گورکی» را یکی از بزرگترین نویسندگان روسیه و دنیا می دانست ولی وقتی پایش رسید به ساخالین، جوگیرشد و زد زیر همه عقایدش! داستان معروف سگ که حتی چندین بار تله تئاترش از شبکه چهارم پخش شد، مؤید شرایط متزلزل آن روزهای روسیه است.

چخوف دراین داستان آنچنان پلیس روسیه را مسخره می کند که تقریبا تا امروز هم این جریان بی سابقه است.

آنها از طنز برای بیان عقایدی استفاده می کردند که شنیدنش درحالت عادی به کلی جنبه احتیاج داشت، که اصولاً کسی جنبه این انتقادها را نداشت، یا داشت. امروزه نیز طنز را درسه زمینه اجتماعی، جنسی و سیاسی می دانند اما درایران به خاطر شرایط خاص فرهنگی، طنز دیگری به نام طنزتلخ مطرح شد که طنزپردازان خاصی چون صلاحی، افشار و... آن را قبول نداشته و تنها آن را ماحصل به خاکی زدن طنزپردازان ایرانی می دانند! شل سیلور استاین، گوسینی، عزیزنسین (این یکی را نباید هم ردیف بزرگان طنز بدانید اما درهرصورت نسبت در ترکیه هم مطرح است و هم محبوب. حتماً سری به کتاب زنده باد قانون بزنید) «پیتر سلرز» و حتی سالینجر، خوب می دانند که طنز با مذاق بسیاری سازگارنیست. اما کارشان را دنبال می کنند.

درخاتمه ای از تواین آمده که برای نوشتن مطلبی به هتلی می رود که پولش را صاحب نشریه پرداخت کرده بود.

تواین فرصت داشت تنها درعرض یک هفته مطلبش را بنویسد. اما به چهارهفته رسید. صاحب نشریه نامه ای نوشت این طوری: «اگر تا آخر این هفته مطلب را تحویل ندهی، با لگد بیرونت می کنم».

تواین هم جواب داد: «اگر من هم کارهایم را با پا انجام می دادم، امروز تواین نبودم»!

ستون چرند و پرند دهخدا در روزنامه، آنقدر تأثیرگذار و پرطرفدار بود که حتی امروز اساتید روزنامه نگاری معتقدند هنوز کسی در آن حد و اندازه، قلم نزده است

بدون شک اما طنزنویسی و طناز بودن یکی از محبوب ترین عرصه های ادبی است که اتفاقاً هر کسی در آن موفق نمی شود. عمران صلاحی می گوید: «به مصداق هر گردویی گرد است اما هر گردی گردو نیست، هر طنزی هم خنده دار است اما هر نوشته خنده داری طنز نیست. ممکن است هجو، هزل و یا فکاهه باشد.»

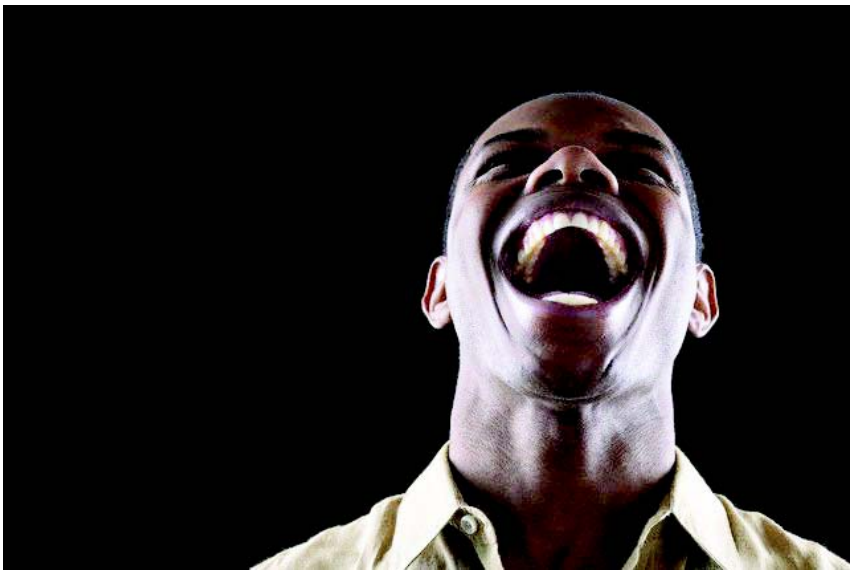

جدول هنری

افقی:

۱- نویسنده و کارگردان فیلم «هجوم وحشی ها» با هنرمندی استفان روسو در سال ۲۰۰۳ میلادی- اثری از خواجوی کرمانی شاعر ایرانی دوره سلطان ابوسعید بهادر در بین سالهای ۷۵۳/۶۷۹ هجری قمری

۲- شاهکاری از ویلیام شکسپیر شاعر ونمایشنامه نویس انگلیسی اوایل قرن ۱۷ میلادی -اثری از ولتر نویسنده فرانسوی- دریانورد کارتازی کاشف سیرالئون در ۵۲۰ سال قبل از میلاد- فیلمی از حسن کاربخش و با نقش آفرینی هدی عجیل وبدیع ابوشقرا در سال ۷۶

۳- راهنما نشان می دهد- تلخی- آهسته خودمانی- آیین ورسوم- به خاک سپردن

۴- برجستگی های ته کفش- دردها- معمار برجسته آلمانی در قرن ۲۰ و پدیدآورنده آسمانخراشهای شیشه ای/ فلزی آلمان و آمریکا- برنده آمریکایی جایزه نوبل در ۱۹۶۰ میلادی- من و تو

۵- نویسنده اتریشی کتاب شطرنج باز در قرن ۲۰- عدد روستا- واحد سطح- کتابی از سامرست موام نویسنده انگلیسی

۶- ظرف آزمایشگاهی- نویسنده آلمانی کتاب «چنین گفت زرتشت» در اوایل قرن ۲۰ میلادی- برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۶۱ میلادی از یوگسلاوی- قوت لایموت

۷- نقاش معروف فرانسوی خالق تابلوی «دختر کتاب خوان» در قرن ۱۹ میلادی- رمق منفی- نویسنده آلمانی صاحب کتاب عقاید یک دلقک- اثری از ویلیام آبریش نویسنده آمریکایی

۸- حرف تنفر- گروه و دسته- برنده انگلیسی جایزه نوبل در ۱۹۱۵ میلادی به همراه ویلیام لارنس براگ- اشاره به نزدیک- خطاب بی ادبانه

۹- اهلی شده- حیوان نجیب- پایه گذار مکتب کاسموپولیتیسم (جهان وطنی) به همراه والری لاربو- نیک و خوب- شیر آغوز

۱۰- برنده انگلیسی جایزه نوبل در ۱۹۵۲ میلادی- کتابی از نویسنده انگلیسی لوید دوگلاس- زشت و نازیبا- از فیلمهای سینمای هند (بالیوود) به کارگردانی «رامش سی پی» و با نقش آفرینی آمیتا باچان در سال ۱۹۸۲ میلادی

۱۱- از تابلوهای معروف دکتر اسماعیل آشتیانی نقاش معاصر ایرانی- از بایگران فیلم داستان وقت خواب به همراه مارلون براندو در سال ۱۹۶۴ میلادی

عمودی:

۱- از شهرهای استان فارس- ماه سوم فرنگی

۲- فرزند چارپایان- از نویسندگان پیرو ساده نویسی در فرانسه در قرن ۱۷ میلادی

۳- رها و آزاد- غیر عرب- رونق خارجی

۴- ژانورسان- اقتصاددان معروف اسکاتلندی که با کتاب «ثروت ملل» خود در قرن ۱۸ انقلابی به پا کرد- اصفهان قدیم

۵- نویسنده ایرانی کتاب احسن التواریخ- اطلاعات مرکزی آمریکا

۶- رودی در آلمان- کتابی از آلفونس دوده نویسنده فرانسوی قرن ۱۹ میلادی

۷- مایع حیات- دارای جایگاه ومقام- شر

۸- از آلات موسیقی- منتشر کردن- سودای ناله

۹- برنده بلژیکی جایزه نوبل درسال ۱۹۱۹ میلادی- پایتخت فراری

۱۰- داده‌واه تاریخ- برنده اتریشی جایزه نوبل درسال ۱۹۲۷ میلادی

۱۱- پادشاه- موسیقیدان و آهنگساز انگلیسی خالق قطعه فالستاف در قرن ۱۹ میلادی

۱۲- ابر نزدیک به زمین- برنده جایزه نوبل در سال ۱۹۴۲ میلادی از آلمان- فیلمی از همایون اسعدیان و با هنرمندی جمشیدهاشم پور در سال ۷۳

۱۳- الفت ودوستی- کتابی از آناتول فرانس نویسنده فرانسوی وبرنده نوبل ادبی در ۱۹۲۱ میلادی- همه

۱۴- کتابی از اشتفان تسویک نویسنده اتریشی- نویسنده فرانسوی کتاب بیگانه در قرن ۲۰ میلادی

۱۵- توانایی وتحمل- نویسنده ایرانی کتاب تاریخ آل سبکتکین در بین سالهای ۴۷۰/۳۸۵ هجری قمری

۱۶- گوشت ترکی- نویسنده الجزایری کتاب مغضوبین روی زمین- کاج بی سر

۱۷- شجاع- برنده انگلیسی جایزه نوبل در سال ۱۹۰۲ میلادی- لیست غذا

۱۸- برنده آمریکایی جایزه نوبل در ۱۹۸۱ میلادی به همراه فوکویی از ژاپن- بعضی ها در آب می کوبند
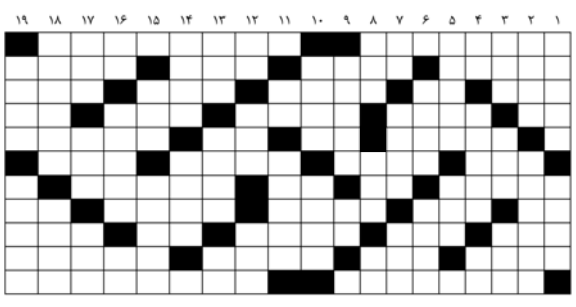
۱۹- فیلسوف فرانسوی کتاب تاریخ ملت اسرائیل در قرن ۱۹ میلادی- رمان نویس شهیر انگلیسی و خالق انتظارات بزرگ در قرن ۱۹ میلادی